

## عنوان مقاله:

مفسرین قرآن و پل تیلیش: آیا زبان دین معرفت بخش است؟

## محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت اسرا، دوره 5، شماره 4 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 35

## نویسندگان:

حمیده طهرانی حائری - فارغ التحصیل دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

سعید موسوی کریمی - دانشیار دانشگاه مفید قم.

## خلاصه مقاله:

شاید مهم ترین مساله زبان دین، موضوع «معناداری، ارجاع، و شان معرفت شناختی گزاره های دینی» است؛ به این معنی که آیا گزاره های دینی، به ویژه گزاره های مربوط به خداوند و ویژگی هایش، معنادار، ارجاع دهنده، و حکایت گر امور واقع هستند یا خیر؛ و آیا زبان دین، معرفت زاست یا غیرمعرفت زا؟ در پاسخ، می توان گفت با یک تقسیم بندی کلی، فیلسوفان دین به دو دیدگاه معتقدند: بنا به دیدگاه نخست، برگرفته از دیدگاه ویتگنشتاین متقدم و حلقه وین، گزاره های دینی، مهمل و فاقد معنا هستند. دیدگاه دوم که زبان دین را زبانی معنادار می داند، به دو گروه تقسیم می شود: گروهی زبان دین را معرفت بخش و گروهی غیرمعرفت بخش می دانند. از مهم ترین نظریه های گروه دوم، نظریه «نمادین بودن زبان دین»، صورت بندی شده توسط پل تیلیش است. در این مقاله، پس از توضیح این نظریه و مهم ترین نقدها علیه آن، به تفسیر تعدادی از آیات قرآن می پردازیم که به نظر شش مفسر مطرح در این مقاله، طبرسی، زمخشری، فخر رازی، قشیری، میبیدی، و طباطبایی، از جمله مواردی در قرآن هستند که در آن ها از زبان نمادین استفاده شده است. نتیجه پایانی مقاله این است که به رغم همه اشکالات وارده به فرض نمادین بودن زبان دین، گزیری نیست مگر آن که فرض کنیم دست کم بخشی از عبارت ها و واژه های به کاررفته در قرآن معنای نمادین دارند، و حکایت گر واقع نمایانه ای از عالم نیستند.

## کلمات کلیدی:

قرآن، مفسران، زبان دین، معناداری، معرفت بخش، تیلیش، نمادین

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1399020>

